

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ دسمبر ۲۰۲۱

بازتاب تضادهای طبقاتی در مناسبات خارجی طالب!

(۲)

یکشنبه- ۵ جدی ۱۴۰۰- کابل:

۴- وقتی این مسأله یعنی درگیری با همسایه ها بین افغانستان و پاکستان مطرح می گردد، دیده می شود که عوامل زیادی در زمینه نقش بازی می نمایند. از جمله:

*- این که کسی بخواهد و یا نخواهد در واقعیت قضیه تفاوتی به وجود آورده نمی تواند که خط فرضی دیورند به مثابه تیغی دو برادر، دو پسر عمو و دو همبسته خونی را از هم دریده، یکی را در یک سمت و دیگری را در سمت دیگر خط به دو کشور جدا تقسیم نموده است.

این تقسیم به همان اندازه که از جانب تمامیتخواهان قومی ملبس به لباس ملی گرایانه دو طرف خط غیر قابل پذیرش است به همان میزان و چه بسا بیشتر از آن، در عقبگرد های تاریخی، آنجائی که روابط خونی ارجحیت بیشتر نسبت به زندگی باهمی اجتماعی می یابد، تشدید شده، غیر ممکن است که با صدور یک نوشته و یا دو نوشته جلو آن را گرفت. یعنی تلاش پاکستان در جهت به عقب گرداندن افغانستان جهت رهائی از به اصطلاح ناسیونالیسم تمامیت خواه پشتون و آوردن طالب، به مثابه تیغ دو دم عمل نموده، باشندگان دو طرف خط را به یک دیگر بیشتر نزدیک ساخته، در نهایت طالب و پاکستان را در تقابل با یک دیگر قرار می دهد.

*- خلاف سرکردگان و رهبران وطنفروش طالب که تا مغز استخوان نوکر و چاکر پاکستان اند و هست و نیست خود را وابسته به نوکری و چاکری شان به استخبارات نظامی آن کشور می دانند، توده های میلیونی دو طرف خط به خصوص باشندگان کشور ما افغانستان، نه تنها خود را چاکر و نوکر پاکستان نمی دانند و حاضر نیستند به مانند زعمای طالب مقابل پاکستان سجده بندگی نمایند، بلکه به نسبت زندگانی مشقتبار و اکثراً اهانت آمیزی که در پاکستان تجربه نموده اند، چنان از دولت پاکستان و حتا پاکستانی ها عقده مند و پرکینه اند که عمق نفرت آنها را یکی از قومندانان دون پایه طالب در ننگرهار با این جمله که "برای ما جنگ با پاکستان مقدس تر از جنگ با اسرائیل است" بیان داشت.

یعنی با در نظر داشت این که اسرائیل کشور بیست اشغالگر که دومین محل مقدس مسلمانان یعنی "بیت المقدس" را اشغال کرده و از آن رو از موضع یک مسلمان مبارزه علیه آن واجب شرعی به شمار می رود، وقتی فردی می آید و جنگ با

پاکستان را مقدس تر از آن اعلام می دارد، بدان معناست که امکان سازش و زندگی صلح آمیز بین دو طرف خط خیلی محدود است.

*- همین نکته و ده ها نکته دیگر نشان از آن دارد که خلاف تصور برخی ها که طالب را یک دست می دانند و یا عمدتاً به درانی و غلجائی تقسیم می نمایند، تضاد طبقاتی بین زعماء، رهبران و مولوی ها در یک طرف و صفوف عادی و جنگندگان تفنگ به دست طالب که خلاف رهبران شان نوکر و غلام خارجی ها نیستند، بشدت وجود داشته، این تضاد اگر در مقطع کنونی تابع تضاد های دیگر هم باشد، سرانجام حدت یافته، حیات و بقای نظام ملاسالار را از درون تخریب خواهد کرد.

این تضاد طبقاتی زمانی شدت کسب خواهد نمود که از یک طرف رهبران و زعمای طالب منافع طبقاتی شان را از طریق نزدیکی با مقامات و زعمای پاکستان تأمین نمایند و از جانب دیگر صفوف طالب به مانند تمام باشندگان آن نقاط، منافع اقتصادی شان را در بی مرزی و رفت و آمد آزاد تشخیص بدهند.

* - نطفه های همین درگیری ها و عدم رضایت بین صفوف در منطقه، می تواند به مثابه بستر مساعد هم از جانب تمامیتخواهان پشتون مورد استفاده قرار گیرد و هم می تواند از جانب استخبارات هند مورد سوء استفاده قرار گرفته، در کلیت آن تقابل بین نظام ملا سالار را با پاکستان و یا صوف خودش حتمیت ببخشد. هموطنان گرامی!

موجودیت گره های ستراتیژیک و یا کانون های بحران در کل به مانند یک آتش فشان خاموشی است که هر لحظه ممکن است، سرباز و فوران نموده، اطرافش را با مواد مذاب خود به آتش بکشد. هر چند تغییرات و آمد و رفت رژیم ها می تواند تا حدی مانع بروز و فوران آتش فشان و یا عکس آن گردد مگر به هیچ وجه قادر نیست تا کانون بحران موجودیت دارد، از انفجار و فوران دایمی آن جلوگیری نماید. هموطنان گرامی!

هر چند در مقطع کنونی این که طالب و نظام ملاسالار جرأت نماید به مثابه یک نظام مقابل نظامیان پاکستان ایستاده شده و خلاف اراده آنها علیه خط دیورند موضع بگیرند، بعید به نظر می رسد مگر این نکته را نیز نباید از یاد ببریم که تضاد های طبقاتی بین رهبران طالب و صفوف آن در این موضوع می تواند طالب را نیز به دشمن خونی دولت پاکستان مبدل بسازد.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**